

دکتر گری یتس، ارمیا، درس ۵ ترکیب بندی ارمیا

گری یتس و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

من دکتر گری یتس هستم در آموزشش در مورد کتاب ارمیا. این جلسه پنجم در مورد نگارش ارمیا است.

واقعاً می‌خواهم از شما به خاطر تلاش‌هایتان در مطالعه کتاب ارمیا قدردانی کنم.

می‌دانم که این کتاب با بسیاری از بخش‌های دیگر کتاب مقدس متفاوت است. در واقع طولانی‌ترین کتاب، در عهد عتیق است. و موافقی وجود دارد، شاید وقتی که در ابتدا به کتاب نزدیک می‌شوید، می‌گویید چگونه می‌توانم این کتاب طولانی و گیج‌کننده را درک کنم؟ چیزی که می‌خواهم در چند جلسه بعدی به آن بپردازم، فقط فکر کردن به این است که چگونه به کتاب ارمیا به عنوان یک کتاب نگاه کنیم. و در این جلسه خاص، در مورد ترکیب کتاب ارمیا و نحوه گردآوری کتاب ارمیا صحبت خواهیم کرد.

فکر می‌کنم ما درک می‌کنیم که اگرچه ارمیا کلام خداست، و ما دوباره به دوم تیموتائوس فصل سوم، آیه ۱۶، ایمان داریم، تمام کتاب مقدس الهام خداست. این توسط خدا به ما داده شده است. دوم پطرس ۱:۲۱. مردان مقدس در حالی که مانند بادبان‌ها توسط روح القدس در باد حرکت می‌کردند، سخن می‌گفتند.

اما این کتابی نیست که از آسمان افتاده باشد. همچنین کتابی نیست که هر بار ارمیا موعظه می‌کرد، کسی آنجا بود تا آنچه را که او می‌گفت بنویسد و بلافاصله آن را به کتاب اضافه کند. این کتابی نبود که در آن خدا به سادگی ارمیا را به بالای کوه برده و آنچه را که باید بنویسد به او وحی کرده باشد.

گردآوری این کتاب طولانی، فرآیندی طولانی را در بر داشته است. خدمت ارمیا از زمانی که در سیزدهمین سال سلطنت یوشیا، یعنی ۶۲۶ پیش از میلاد، فراخوانده شد، تا حدود ۵۸۰ پیش از میلاد ادامه داشت. بنابراین، ما در مورد خدمتی صحبت می‌کنیم که تقریباً ۵۰ سال به طول انجامید.

و بنابراین، گردآوری و ارائه کتابی که آن خدمت را به تصویر می‌کشد، بدیهی است که یک فرآیند طولانی و پیچیده در این زمینه وجود داشته است. چند نقل قول از برخی محققان در مورد رویکردشان به کتاب ارمیا وجود دارد. اول از همه، اندرو شید این نظر را مطرح می‌کند، و شاید شما بتوانید با این نظر در حین تلاش برای خواندن ارمیا و درک کتاب، همذات‌پنداری کنید.

ارمیا طولانی، پر از تکرار، غیرخطی در ترتیب زمانی و دائماً در حال تغییر از یک ژانر به ژانر دیگر است. آر پی کارول در تفسیر خود بر کتاب ارمیا، که به نظر من رویکردی بیش از حد شکاکانه برای درک پیام این کتاب، اتخاذ می‌کند، چند جمله بیان می‌کند که باید در مورد آنها فکر کنیم. او می‌گوید، برای خواننده مدرن، کتاب‌های اشعیا، ارمیا و حزقیال عملاً به عنوان کتاب غیرقابل درک هستند.

او سپس این را می‌گوید: کسی که کتاب ارمیا او را گیج نکند، آن را نمی‌فهمد. و من به یاد دارم که گاهی اوقات پایان‌نامه‌ام را در مورد کتاب ارمیا می‌نوشتم و فکر می‌کردم که این دقیقاً درست است. اما باز هم، فکر می‌کنم این یک رویکرد بیش از حد شکاکانه است.

همانطور که داریم به کتاب ارمیا فکر می‌کنیم، می‌خواهم دو تصویر به ما ارائه دهم که شاید بتوانیم به آنها فکر کنیم. تصور کنید کسی سعی می‌کند در یک کتاب، خدمت کسی مثل دکتر بیلی گراهام را به تصویر بکشد. یک خدمت طولانی، گزیده‌هایی از خطبه‌های او، اغلب بدون شرح وقایع یا زمان یا وقایع زندگی‌اش.

تلاش برای درک این موضوع و کنار هم قرار دادن تصویری از خدمت دکتر گراهام ممکن است کار بسیار دشواری باشد. تصویر دیگری که به ذهنم می‌رسد این است که می‌توانیم کتاب ارمیا را مانند یک خانه روستایی قدیمی در نظر بگیریم. وقتی به آن خانه نگاه می‌کنید، متوجه می‌شوید که یک خانه قدیمی در آنجا وجود داشته و با ورود اعضای مختلف خانواده، و احتمالاً تغییر مالکیت خانه، الحاقات، بخش‌ها و الحاقات متعددی به آن اضافه شده است.

گاهی اوقات باید برویم و به نقشه‌های آن خانه نگاه کنیم تا بفهمیم چرا و چگونه کنار هم قرار گرفته است. بنابراین، چیزی که من می‌خواهم امروز در این جلسه به آن نگاه کنیم، فقط فکر کردن به ترکیب و چگونگی کنار هم قرار گرفتن کتاب ارمیا است. سپس، در جلسه بعدی، مروری بر کتاب ارمیا داشته باشیم و بفهمیم که یک نظم، یک ترتیب زمانی، یک جریان و یک حس در این کتاب وجود دارد که به ما در درک آن کمک می‌کند.

یکی از مسائلی که هنگام بررسی ترکیب کتاب ارمیا مطرح می‌شود این است که ما تشخیص می‌دهیم که این کتاب از ژانرها و انواع مطالب مختلفی تشکیل شده است. در واقع، در یکی از مطالعات انتقادی اولیه در مورد کتاب ارمیا، برنارد دوهم بین شعر موجود در کتاب ارمیا و نثر موجود در کتاب ارمیا تمایز قائل شد زیگموند مووینکل نیز به این مطالعه پیوست و خاطرنشان کرد که سه ژانر خاص مختلف در کتاب ارمیا وجود دارد.

او از این موارد به عنوان مطالب الف، ب و ج یاد کرد. مطالبی که مووینکل شناسایی کرد، پیشگویی‌های شاعرانه ارمیا بود. اینها پیشگویی‌های کوتاه در قالب شعر هستند.

آنها بسیار رایج هستند، به خصوص در فصل‌های ۱ تا ۲۵. محققان منتقد تمایل داشته‌اند که این را به عنوان روش اصلی انتقال پیام پیامبران در نظر بگیرند. در واقع، اگر به طور کلی به کتاب‌های نبوی نگاه کنیم، آنها پر از وحی‌های شاعرانه هستند که در آنها پیامبران با تصاویر واضح، موازی‌سازی و تصاویر سریع و قدرتمند، پیام خود را منتقل کرده‌اند.

یا روایت‌های روایی یا داستان‌هایی از زندگی و B نوع دوم مطالبی که مووینکل شناسایی کرد، مطالب نوع رسالت پیامبر بود. یکی از چیزهایی که کتاب ارمیا را منحصر به فرد می‌کند این است که تعدادی از این داستان‌ها از زندگی ارمیا وجود دارد. در واقع، تنها کتاب نبوی دیگری که از این نظر شبیه ارمیا است، کتاب یونس است.

یونس کتاب بسیار مختصری است. در مقایسه با کتاب اشعیا، اشعیا ۶۶ فصل دارد، اما در واقع فقط دو بخش، فصل‌های ۶ تا ۸ و فصل‌های ۳۷ تا ۳۹، روایت‌ها و داستان‌هایی از زندگی اشعیا را در خود جای داده‌اند. بنابراین، ارمیا از این نظر منحصر به فرد است.

همان چیزی است که مووینکل از آن C استفاده بسیار گسترده‌تری از روایت وجود دارد. و در نهایت، مطالب به عنوان خطبه‌های منثور یاد می‌کند. اینها خطبه هستند نه به شکل پیشگویی‌های شاعرانه؛ اینها خطبه‌هایی هستند که روایت‌های منثور طولانی‌تری هستند.

متن موعظه‌های کشیش خود را تصور کنید. بخش‌هایی وجود دارد که موعظه ارمیا، به نوعی، شبیه متن یک موعظه است. یک نمونه از این موارد، و من فکر می‌کنم بخش بسیار مهمی از کتاب ارمیا است، و من می‌خواستم فقط چند آیه از آن را اینجا بخوانم، خطبه منثور است که در فصل ۱۱ داریم.

خطبه منثور در فصل ۱۱ بر این ایده تمرکز دارد که خداوند اسرائیل و یهودا را به دلیل نقض عهدشان مجازات می‌کند. بنابراین بدیهی است که این یک مفهوم بسیار مهم در کتاب ارمیا است. و این متن اینگونه آغاز می‌شود.

در آیه ۱ آمده است، کلامی که از جانب خداوند به ارمیا نازل شد، می‌گوید: سخنان این عهد را بشنو و به مردان یهودا و ساکنان اورشلیم بگو. به ایشان بگو، خداوند، خدای اسرائیل، چنین می‌گوید: لعنت بر کسی که سخنان این عهد را که به پدرانان هنگام بیرون آوردنشان از سرزمین مصر فرمان دادم، نشنود. از کوره آهن می‌گوید: به صدای من گوش دهید و هر آنچه را که به شما فرمان می‌دهم، انجام دهید.

پس شما قوم من خواهید بود و من راهنمای شما خواهم بود تا سوگندی را که برای پدرانان خوردم، مبنی بر دادن سرزمینی که در آن شیر و عسل جاری است، همانطور که امروز است، تأیید کنم. سپس پاسخ دادم: باشد، ای خداوند. «و به این ترتیب، متن حتی فراتر می‌رود».

این [کتاب] جزئیات بیشتری از این روایت، و این خطبه را در اختیار ما قرار می‌دهد. و بنابراین، ما اینجا صرفاً با پیشگویی‌های کوتاه و شاعرانه مواجه نیستیم. ما با یک خطبه‌ی مفصل روبرو هستیم.

حال، کاری که محققان منتقد با این سه نوع مختلف از مطالب انجام داده‌اند این است که آنها تمایل داشته‌اند اشعار کتاب را به عنوان بخش‌های اولیه و ارمیا واقعی‌تر و اصیل‌تر در نظر بگیرند. و روایت‌ها و خطبه‌های منثور را بیشتر به عنوان تفسیر مجدد بعدی از پیامبر در نظر گرفته‌اند. و آنها تمایل داشته‌اند که این موارد را ویرایش شده توسط ویراستاران تثبیه بدانند.

و به درجات مختلف، آنها این منابع بعدی و این مطالب بعدی را در حال تفسیر مجدد ارمیا نبی و پیام او می‌دانند. بنابراین، در واقع در تحقیقات انتقادی این سوال مطرح شده است: ما واقعاً چقدر از ارمیا تاریخی را می‌توانیم بدانیم؟ آیا تصویر ارمیا در این کتاب واقع‌بینانه و صادقانه است، یا اینکه این منابع بعدی اساساً شخصیت متفاوتی از آنچه واقعاً می‌بینیم به ما ارائه داده‌اند؟ من می‌خواستم فقط در مورد این موضوع در چند ایده و چند پاسخ فقط از این نظر فکر کنم. من معتقدم که یکی از دلایل وجود این منابع مختلف، این احتمال آشکار است که ارمیا پیام خود را به روش‌های مختلفی منتقل کرده است.

گاهی اوقات، شاید به عنوان یک واعظ خیابانی، مفید بود که با تصاویر و وحی‌های کوتاه و قدرتمند ارتباط برقرار کنیم. اما فکر می‌کنم بسیار محتمل است که مواقعی وجود داشته باشد که ارمیا به معبد می‌رفت و خطبه معبد خود را ایراد می‌کرد، که خطبه‌های مفصل‌تری وجود داشته و چیزی شبیه به آنچه که ما از کشیش خود در صبح یکشنبه می‌شنویم، بوده است. فکر می‌کنم نکته دوم این است که برای ما تعجب‌آور نیست که بسیاری از کلمات و عبارات موجود در خطبه‌ها و روایت‌های ارمیا شبیه کتاب تثبیه و تاریخ تثبیه است.

کتاب پادشاهان، که بخشی از آن تاریخ است، در سال ۵۵۰ پیش از میلاد نوشته شده است. ارمیا خدمت خود را حدود ۵۸۰ پیش از میلاد به پایان رساند. بنابراین، من فکر می‌کنم بسیار محتمل است که افرادی که در نگارش این کتاب‌های تاریخی و ویرایش نهایی آنها در سال ۵۵۰ پیش از میلاد و قرن ششم در زمان تبعید نقش داشتند، در نگارش و ویرایش نهایی کتاب ارمیا نیز نقش داشته‌اند. این کتاب‌ها از یکدیگر الهام گرفته‌اند و اغلب، تعیین جهت تأثیر آنها بسیار دشوار است.

من فکر می‌کنم نکته سوم این است که متوجه شویم وقتی کتاب‌های تاریخ تثبیه را، همانطور که نامگذاری شده‌اند، با کتاب ارمیا مقایسه می‌کنیم، ایده‌های منحصر به فردی در کتاب ارمیا وجود دارد که پیام آن را

متمایز می‌کند. به عنوان مثال، تثنیه یا تاریخ تثنیه در پادشاهان بر این تأکید می‌کند که خداوند اورشلیم را به دلیل شرارت منسی و ۵۵ سال سلطنت او داوری می‌کند.

خدا می‌گوید که من اورشلیم را مانند یک بشقاب پاک خواهم کرد. ارمیا بیشتر بر بخش پایانی سلسله داوود، و شکست پادشاهانی که پس از یوشیا آمدند تمرکز خواهد کرد، که در درس قبلی به آن پرداختیم. ارمیا برخلاف پادشاهان، تأکید بسیار بیشتری بر ایده احیا خواهد داشت.

پیام مربوط به بازگشت (احیاء) در کتاب پادشاهان بسیار مختصر است. در پایان کتاب، شاهد آزادی یهوایکین از زندان هستیم، اما بیانیه یا هدف روشنی از آنچه خدا قرار است در تمام این بازگشت انجام دهد به طور کامل در آن وجود ندارد. بنابراین، کتاب ارمیا از این نظر بیشتر شبیه کتاب تثنیه است تا تاریخ تثنیه.

فکر می‌کنم چهارمین چیزی که می‌توانیم از استفاده از شعر، نثر و روایت بفهمیم این است که از بسیاری جهات، یک بازاندیشی تأمل‌برانگیز از ارمیا وجود داشته است. اما من معتقدم که این کار توسط ارمیا و خود باروک انجام شده است. مفسران محافظه‌کار مانند جان تامپسون در تفسیر نیکوت در مورد ارمیا تأکید کرده‌اند که خود ارمیا و باروک، همانطور که در طول سال‌های طولانی خدمت ارمیا تأمل کردند، به درک عمیق‌تری از پیام ارمیا رسیدند.

آنها به درک عمیق‌تری از نقشه و طرح و نیت خدا برای آینده رسیدند. در ابتدای پیام ارمیا، ارمیا در حال موعظه و دعوت مردم به توبه است. در طول اصلاحات یوشیا، این احتمال وجود دارد که آنها بتوانند از داوری اجتناب کنند.

اما در بازآفرینی بعدی آن پیام در پایان زندگی‌اش، آن پیام به پیامی برای تبعیدیان، برای بازگشت آنها، برای بازگشت به سوی خدا تبدیل می‌شود. و بنابراین من فکر می‌کنم تأملاتی که در مورد خدمت ارمیا در جریان است، لزوماً نباید توسط ویراستاران تثنیه که پیام او را اصلاح و تغییر داده‌اند، انجام شود. این می‌تواند توسط خود ارمیا و باروک انجام شود، زیرا آنها به درک عمیق‌تری از اهداف و نقشه‌های خدا می‌رسند.

و در نهایت، با توجه به این موضوع انواع مختلف مطالب، چه وحی‌های منظوم را بخوانیم، چه روایت‌های منثور، و چه خطبه‌های منثور، دیدگاه ارمیا که از این مطالب پدیدار می‌شود، چندان متفاوت نیست. یک وحدت الهیاتی اساسی در این کتاب وجود دارد. ایده‌های کلیدی خاصی وجود دارد که صرف نظر از اینکه به کدام بخش از کتاب یا به چه نوع مطالبی نگاه می‌کنیم، با آنها مواجه خواهیم شد.

تأکید بر این خواهد بود که یهودا عهد را شکسته است. آنها قانون خدا را زیر پا گذاشته‌اند. آنها بت‌ها را پرستش کرده‌اند.

و در نتیجه‌ی آن، آنها سزاوار مجازات خدا هستند. این فقط تثنیه نیست. این پیام کل عهد عتیق است.

دومین ایده کلیدی این است که خداوند از بابل به عنوان ابزار داوری استفاده می‌کند. و خداوند از بابل به عنوان ابزار خود استفاده می‌کند. باز هم، این فقط نثر یا شعر نیست.

این پیام کل کتاب است. و سپس، همانطور که به کل کتاب نگاه می‌کنیم، چه در بخش‌های منظوم و چه در بخش‌های نثر، این وعده وجود دارد که پس از داوری، رستاخیزی رخ خواهد داد. بنابراین، من معتقد نیستم که لازم باشد کتاب ارمیا را در نظر بگیریم و آن را به منابع تقسیم کنیم.

در این کتاب یک وحدت الهیاتی وجود دارد. لازم نیست نثر را در مقابل شعر قرار دهیم، زیرا از میان تمام این مطالب مختلف، تصویری یکپارچه از ارمیا پدیدار می‌شود. یک احتمال این است که دلایل ادبی نیز وجود دارد که چرا پیام ارمیا در این ژانرهای مختلف و در این اشکال مختلف منتقل می‌شود.

آنچه لوئیس استولمن مطرح کرده این است که خطبه‌های منثور در واقع به عنوان راهی برای راهنمایی ما در پیام و رسالت ارمیا در کتاب قرار گرفته‌اند. و بنابراین آنچه در نهایت اتفاق می‌افتد این است که، همانطور که ما پیشگویی‌های شاعرانه ارمیا را داریم، همه این تصاویر مختلف شروع به بمباران ما می‌کنند. یهودا همسری پی‌وفا است.

خداوند شیر غرانی را علیه قوم یهودا می‌فرستد. یهودا به طرق مختلف به خدا خیانت کرده است. کاری که موعظه‌های منثور انجام می‌دهند این است که تمام آن تصاویر شاعرانه را می‌گیرند و خلاصه می‌کنند.

در واقع، آنها خلاصه‌ای از پیام ارمیا را برای ما ارائه می‌دهند. بنابراین آنچه استولمن پیشنهاد می‌کند این است که در ارمیا ۱ تا ۲۵، پنج خطبه منثور خاص داریم که واقعاً از بسیاری جهات به مردم زمان ارمیا و به ویژه به ما به عنوان خوانندگان مدرن کمک می‌کند تا بتوانیم همه این تصاویر شاعرانه را با هم جمع کنیم و بفهمیم که پیام ارمیا در مورد چیست. و معمولاً این خطبه‌های منثور بر سوء تفاهمی که مردم یهودا در مورد عهد خود با خدا دارند، تمرکز می‌کنند.

آنها به این باور رسیده‌اند که خدا از آنها محافظت خواهد کرد. خدا آنها را برکت خواهد داد. خدا در هر شرایطی مراقب آنها خواهد بود.

خطبه‌های منثور درک متفاوتی از عهد ارائه می‌دهند. ارمیا ۷، یکی از این متون خلاصه، آنها به معبد و حضور خدا در آنجا که قادر به محافظت از آنهاست، اعتماد کاذب داشته‌اند. ارمیا ۱۰ خطبه‌ای منثور است که توضیح می‌دهد اسرائیل با بت‌پرستی خود عهد را نقض کرده است.

، ارمیا فصل ۱۱، خطبه‌ای منثور که می‌گوید: ارمیا هشدار می‌دهد که مردم یهودا به دلیل نافرمانی‌شان لعنت‌های عهد را تجربه خواهند کرد. این عهد فقط برای محافظت و برکت دادن به آنها طراحی نشده بود. ارمیا ۱۸ و ۱۹، خطبه‌هایی منثور که این واقعیت را توضیح می‌دهند که یهودا فرصت توبه داشته است.

آنها این فرصت را از دست داده‌اند و خدا قرار است آنها را قضاوت کند. و بنابراین، من معتقدم که در واقع، وحدتی از این ژانرهای ادبی مختلف پدیدار می‌شود. و ما می‌توانیم این را با نگاه کردن به چگونگی تعامل نثر شعر، داستان‌ها، روایت‌ها و خطبه‌ها با یکدیگر ببینیم.

مسئله دومی هم در رابطه با نگارش کتاب ارمیا وجود دارد که برخی از نظریه‌های انتقادی و چیزهایی را که واقعاً نوعی پیش درآمد بر این موضوع هستند، پشت سر می‌گذارد. ارمیا کتاب جالبی است، زیرا احتمالاً بیش از هر یک از پیامبران بزرگ دیگر، به ما بینشی در مورد فرآیندی که در شکل‌گیری کتاب ارمیا به عنوان یک کتاب دخیل بوده است، می‌دهد. در واقع، به پنج یا شش منبع و مکان مختلف اشاره شده است که در آنها ارمیا در واقع بخش‌هایی از این کتاب را نوشته است، یا باروک بخش‌هایی از این کتاب را نوشته است.

و سپس این طومارها و منابع مختلف در کنار هم قرار گرفته‌اند. متن کلیدی در تمام این موارد، ارمیا فصل آیات ۱ تا ۳ است. در آن متن خاص، خداوند به ارمیا دستور می‌دهد تا پیام‌های خود را بنویسد، آن ۳۶، پیام‌ها را به باروک دیکته کند و سپس از باروک بخواند که آن پیام‌ها را در معبد بخواند.

سالی که این اتفاق می‌افتد، سال چهارم یهوایقیم است. و بنابراین این بدان معناست که ارمیا بیش از ۲۰ سال موعظه کرده است، قبل از اینکه به طور خاص به او دستور داده شود سخنانی را که موعظه می‌کند بنویسد. حال، فکر نمی‌کنم این بدان معنا باشد که ارمیا هرگز اینها را ثبت نکرده است، اما اولین باری که می‌بینیم این اتفاق می‌افتد، ۲۰ سال پس از خدمت ارمیا است.

اگر این فصل را بشناسید، به یاد دارید که چه اتفاقی افتاد، یهوایقیم طومار را برید. و سپس بعد از آن، در پایان فصل، در آیات ۲۳ تا ۲۶ آمده است که خدا به ارمیا و باروک دستور داد تا طومار دیگری بنویسند. و می‌گوید که آنها طومار را بازنویسی کردند.

بسیاری از مردم احساس می‌کنند که قلب اصلی پیامی که در این طومار یافت شده، همان چیزی است که در ارمیا باب‌های ۱ تا ۲۵ داریم، یعنی کلمات و پیشگویی‌های داوری که در آنجا یافت می‌شوند. اما همچنین می‌گوید که وقتی طومار دوم را نوشتند، کلمات مشابه زیادی به آن اضافه شد. و بنابراین، من معتقدم که می‌توانیم تصور کنیم که اولین ترکیب اساسی کتاب ارمیا در بیستمین سال خدمت او اتفاق افتاده است.

و سپس در طول ۲۰ تا ۳۰ سال بعدی خدمت ارمیا، کلمات مشابه زیادی به آن کلمات اصلی اضافه شد. روند مداومی برای اضافه کردن پیام‌های جدید، خطبه‌های جدید و شاید حتی بازنویسی خطبه‌های قدیمی با توجه به تبعید و اتفاقاتی که در پایان خدمت ارمیا رخ داد، وجود داشت. دومین اشاره به منبعی که می‌خواستیم توجه شما را به آن جلب کنم این است که ارمیا ۲۹.۱ به ما می‌گوید که ارمیا پس از سال ۵۹۷ نامه‌ای به تبعیدیانی که در بابل بودند نوشت.

آن نامه به آنها دستور داد که برنامه‌ها و طرح‌های خدا برای آینده چیست. به یاد داشته باشید که او گفت برای صلح بابل دعا کنید، همانطور که برای صلح اورشلیم دعا کرده‌اید. در این سرزمین ساکن شوید، خانه‌ها را در آنجا بسازید، کارهای عادی را که با خانواده انجام می‌دهید، انجام دهید، به پادشاه بابل خدمت کنید و همه چیز برای شما خوب پیش خواهد رفت.

و سپس، پس از ۷۰ سال، خدا شما را آزاد خواهد کرد، و خدا شما را از تبعید باز خواهد گرداند. این در نامه‌ای بود که ارمیا برای تبعیدیان نوشت. و بنابراین، می‌توانیم تصور کنیم که برخی از سخنان امیدبخش وعده‌هایی که خدا از طریق ارمیا نبی داد، ممکن است از طریق آن نامه آمده باشد.

و آن نامه، پیش‌زمینه‌ی سخنان ارمیا در فصل ۲۹ است. در ارمیا فصل ۳۰، بخش بسیار مهمی از کتاب ارمیا، یعنی ارمیا ۳۰ تا ۳۳ را داریم؛ که از آن به عنوان کتاب تسلی یاد می‌شود. این پیام امیدی است که خداوند از طریق ارمیا نبی می‌دهد.

و نکته شگفت‌انگیز این است که این پیامبر که به او دستور داده شده بود تا سخنان داوری بسیاری را در مرکز کتاب ارمیا از بسیاری جهات بیان کند، بخشی از امید وجود دارد. اما به ما می‌گوید که ارمیا این پیام‌های مثبت امید را در یک کتاب یا طومار گردآوری کرده است. بنابراین، ما باید کمی از تخیل مقدس خود استفاده کنیم، اما می‌توانم تصور کنم که فصل‌هایی که در ۳۰ و ۳۱، که شعر هستند، و ۳۲ و ۳۳، که نثر هستند، یافت می‌شوند، ممکن است در ابتدا به عنوان یک واحد مستقل وجود داشته‌اند.

و آنها نمایانگر پیام‌های امیدبخش ارمیا بودند. طومار چهارم یا منبع چهارم در ارمیا ۵۱، آیات ۵۹ تا ۶۴. برای ما ذکر شده است. و در دو فصل ابتدایی آخر کتاب ارمیا ۵۰ و ۵۱، پیشگویی‌هایی علیه بابل داریم.

و آنها پیام‌های طولانی و مفصلی از داوری علیه مردم بابل و علیه ملت بابل و پادشاهی هستند که خدا برای مجازات اسرائیل از او استفاده کرده بود. اما در پایان این پیشگویی‌ها، به ما می‌گوید که ساریا، که به نظر

می‌رسد برادر باروک و کاتب دیگری است که به ارمیا کمک می‌کرد، در واقع این طومار را با صدقیا به بابل برد. وقتی صدقیا مدتی قبل از وقوع تبعید در آنجا با پادشاه بابل ملاقات کرد، گفته می‌شود که ساریا طومار را در بابل خواند و سپس یک عمل نمادین انجام داد.

او طومار را گرفت، سنگی به دور آن بست، و سپس آن طومار را به رودخانه فرات انداخت. و این نشان دهنده عذاب، نابودی نهایی ملت بابل بود. اما این منبع دیگری است، طوماری دیگر، باز هم، نه از یک ویراستار، نه از شخص بعدی، بلکه از خود ارمیا.

همانطور که قبلاً گفتیم، در فصل‌های ۲۶ تا ۴۵، تعدادی روایت و داستان زندگینامه‌ای از ارمیا داریم. و همانطور که این داستان‌ها در فصل ۴۵ ارمیا به پایان می‌رسند، وعده‌ای به کاتب ارمیا، باروک، داده شده است. بنابراین فکر می‌کنم این احتمال وجود دارد که به جای اینکه ارمیا این داستان‌ها را به عنوان یک زندگینامه نوشته باشد، این احتمال و احتمال وجود دارد که باروک کسی باشد که این داستان‌ها را درباره ارمیا سروده است.

پیام امید، وعده امید، که در فصل ۴۵ به باروک داده شده است، به عنوان یک انجامه عمل می‌کند و نویسنده یا شخصی را که نقش مهمی در نگارش این بخش از کتاب داشته است، مشخص می‌کند و نعمت خدا را بر او اعلام می‌کند. این مانند یک پی‌نوشت است. در مزامیر، ما سرلوحه‌هایی داریم که به ما عناوین می‌دهند. می‌توانیم این را در مورد باروک در آن فصل نیز داشته باشیم.

و در نهایت، یکی از نکات جالب دیگر در مورد شکل‌گیری کتاب ارمیا، این است که ما اغلب شاهد تکرار برخی از قسمت‌های کتاب هستیم و آنها در بخش دیگری از کتاب یافت می‌شوند. به عنوان مثال، ارمیا، فصل ۲۳، آیه ۲۰ می‌گوید که خشم خداوند تا زمانی که تمام آنچه را که در نظر دارد به انجام نرساند، متوقف نخواهد شد. همین جمله در کتاب تسلی در فصل ۳۰، آیه ۲۴ آمده است.

فصل ۲۳ درباره برانگیختن شاخه‌ای صالح از خاندان داوود توسط خداوند صحبت می‌کند. این متن در ارمیا و ۱۶ نیز تکرار شده است. بنابراین، من فکر می‌کنم، در این فرآیند، ارمیا و باروک در حال بازآفرینی ۱۵، ۳۳ هستند. آنها در حال درک عمیق‌تر خدمت ارمیا هستند، یا اینکه ارمیا در زمینه‌ها و موقعیت‌های مختلف خدمت می‌کند.

پیام‌های بخش‌های مختلف خدمت او ممکن است دوباره مورد استفاده قرار گرفته و در زمینه‌ها و موقعیت‌های مختلف به کار گرفته شده باشند. برخی از پیشگویی‌های داوری درباره یهودا در بخش‌های اولیه کتاب، در بخش‌های پایانی کتاب دوباره به کار گرفته شده و در مورد بابل بیان شده‌اند. در اوایل کتاب ارمیا، ارمیا می‌گوید که داوری خدا به شکل دشمنی از شمال که به یهودا حمله خواهد کرد، خواهد آمد.

در فصل‌های ۵۰ و ۵۱ کتاب ارمیا، دشمنی از شمال وجود دارد که قرار است به بابل نیز حمله کند. بنابراین کتاب ارمیا، به شیوه‌ای که در مورد هیچ کتاب دیگری صادق نیست، به ما بینشی در مورد نحوه نگارش بخش‌های مختلف پیام ارمیا در طومارهای مختلف و در منابع مختلف می‌دهد. و سپس در طول روند طولانی زندگی ارمیا، این بخش‌ها به شکلی که امروزه در اختیار داریم، درآمدند.

این احتمال وجود دارد که حتی پس از مرگ ارمیا، باروک این فرآیند را به پایان برساند، یا ویراستارانی که مسئول گردآوری کل متون عبری و نظم و ترتیب بخشیدن به آن بوده‌اند، در این فرآیند نیز دست داشته‌اند اما ما معتقدیم، و این اعتقادی است که من هنگام مطالعه این کتاب در مورد آن دارم، این است که خدا نه تنها ارمیا را در موعظه این پیام الهام بخشید، بلکه ارمیا، باروک و هر ویراستار الهام‌بخشی را که ممکن است در فرآیند شکل‌گیری آن کتاب نیز دخیل بوده باشد، هدایت کرد. و هر چقدر هم که این فرآیند دشوار و

پیچیده بوده باشد، خدا در آن دست داشته است، و خدا پیام ارمیا را به شکلی که می‌خواست و طراحی کرده بود، ابتدا برای قوم اسرائیل و سپس بعداً برای کلیسا، به دلیل پیام مداومی که این کتاب برای ما دارد، حفظ می‌کرد.

حالا یک مسئله‌ی نهایی مربوط به کتاب ارمیا وجود دارد که باز هم، به نظر من، نشان دهنده‌ی توسعه و شکل‌گیری این کتاب و ترکیب آن است. و آن این واقعیت است که نسخه‌ها و نسخه‌های خطی باستانی ما از کتاب ارمیا، دو نسخه بسیار متفاوت از کتاب ارمیا را منعکس می‌کنند. و یک نسخه از این کتاب در ترجمه یونانی عهد عتیق که به عنوان سپتواجینت شناخته می‌شود، منعکس شده است.

و سپس نسخه دیگر در متن عبری یا متن ماسورتیک منعکس شده است، که کتاب ارمیا و شکل ارمیا است که در کتاب مقدس عبری ما یافت می‌شود. متن ماسورتیک همچنین اساس کتاب مقدس انگلیسی ما است. همه آنها بر اساس آن، NASB، NIV، ESV، بنابراین، تمام کتاب مقدس انگلیسی ما، چه نسخه کینگ جیمز نسخه عبری ماسورتیک کتاب هستند.

اما وقتی به دو شکل مختلف کتاب ارمیا، یکی در نسخه هفتادگانی و دیگری در متن ماسورتیک، نگاه می‌کنیم تفاوت‌های بسیار جالبی بین این دو نسخه از کتاب وجود دارد. اول از همه، متن یونانی در نسخه هفتادگانی کوتاه‌تر از نسخه‌ای است که در متن ماسورتیک داریم. بنابراین این بدان معناست که حداقل، یا تقریباً ۱۴٪ کلمه در متن ماسورتیک وجود دارد که در متن یونانی یافت نمی‌شود. ۲۷۰۰.

حال، این کلمات اساساً جوهره خدمت ارمیا را تغییر نمی‌دهند، اما بینش‌ها و خوانش‌های متفاوتی از بخش‌های مختلف به ما ارائه می‌دهند. تفاوت دوم بین این دو متن این است که متن یونانی ترتیب و چیدمان متفاوتی دارد. در کتاب مقدس انگلیسی ما که منعکس کننده متن ماسورتی است، پیشگویی‌هایی که ارمیا علیه ملت‌ها موعظه کرد، در انتهای کتاب در فصل‌های ۴۶ تا ۵۱ آمده است.

در نسخه یونانی، آن پیشگویی‌ها بعد از فصل ۲۵، آیه ۱۳ آمده‌اند. بنابراین، آنها در وسط کتاب یافت می‌شوند. نکته جالب دیگر این است که ترتیب آن پیشگویی‌ها در نسخه یونانی ارمیا با ترتیبی که در نسخه عبری و همچنین در کتاب مقدس انگلیسی خود داریم، متفاوت است.

تفاوت سوم این است که گاهی اوقات، در مشهورترین یا مهم‌ترین نمونه، مانند ارمیا ۳۳ آیات ۱۴ تا ۲۶ بخش‌های مهمی وجود دارد. ما در مورد بخش مهمی از کتاب صحبت می‌کنیم که در نسخه عبری کتاب یافت می‌شود اما در نسخه سپتواجینت کتاب وجود ندارد. در نهایت، آخرین تفاوت این است که اضافات، به متن ماسورتیک وجود دارد، مانند سرفصل‌های خطبه‌ها در فصل‌های ۲، فصل ۷، فصل ۱۶، فصل ۲۷، که در آنها یک عنوان مقدماتی داده شده است.

تکرار شده‌اند. این LXX عباراتی مانند «خداوند چنین می‌گوید» در متن ماسورتیک ۶۵ برابر بیشتر از نسخه احتمالاً منعکس کننده نسخه اولیه‌تری از کتاب است که چیزهایی توسط نسخه LXX نشان می‌دهد که ماسورتیک به آن اضافه شده است. حال، وقتی مردم برای اولین بار این موضوع را می‌شنوند، چند سوال مطرح می‌شود.

می‌دانم که این موضوع برای دانش‌آموزانم گیج‌کننده است. کدام یک از این نسخه‌ها اول آمده است؟ کدام یک از این‌ها اصیل‌تر است؟ و سپس سوال اصلی این است که کدام یک از این‌ها کلام خدا برای ما است؟ ممکن است فکر کنیم که بدیهی است که نسخه عبری اصیل است زیرا ارمیا به زبان عبری صحبت می‌کرد. یونانی ترجمه است.

اما همانطور که قبلاً گفتیم، چیزهایی که به کتاب ارمیا اضافه شده و اضافات آن که در کتاب مقدس عبری ما یافت می‌شود، نشان می‌دهد که به احتمال زیاد این موارد به نسخه‌های قبلی اضافه شده‌اند تا چیزی که حذف یا حذف شده باشد. ما همچنین از طریق کشف طومارهای دریای مرده، که اولین نسخه‌های عهد عتیق ما را که تقریباً هزار سال به عقب برگرداند، به درک بهتری از کتاب ارمیا رسیده‌ایم. آنچه از طومارهای دریای مرده فهمیده‌ایم این است که احتمالاً نسخه‌های عبری از ارمیا در دوره اولیه وجود داشته است که منعکس کننده آنچه در هر دو متن سپتواجینت و ماسورتیک یافت می‌شود، می‌باشد.

در غار چهارم در قمران، قطعات مهمی وجود داشت و اینها قطعات بسیار ریز و کوچکی از کتاب ارمیا بر C، و ارمیا A هستند که در آنجا پیدا شده‌اند. اما نکته جالب این است که دو قطعه از این قطعات، ارمیا اساس آنچه در آنجا وجود دارد، و باز هم قطعات ریز، به نظر می‌رسد منعکس کننده آنچه در متن ماسورتی که در همان غار پیدا شده است، به نظر B خود داریم، هستند. از سوی دیگر، قطعه دیگری از کتاب، ارمیا داریم LXX می‌رسد منعکس کننده قرائت‌هایی است که در

و بنابراین، آنچه این برای ما نشان می‌دهد این است که تغییراتی که در یونانی رخ می‌دهد نتیجه ترجمه از عبری به یونانی نیست. آنها از این نوع تغییرات نیستند، اما نشان می‌دهد که در ابتدا یک نمونه اولیه عبری برای ترجمه هفتادگانی و یک نسخه عبری از کتاب وجود داشته است که در متن ماسورتی نیز منعکس شده است. بنابراین آیا باید از این موضوع نگران باشیم و در نهایت چگونه این مشکل را حل کنیم؟ من معتقدم که این دو نسخه به دو موضوع خاص مربوط می‌شوند.

اولاً، آنها به طول مدت خدمت ارمیا مربوط می‌شوند. به یاد داشته باشید، خدمت او در یک دوره ۵۰ ساله اتفاق می‌افتد. و بنابراین، احتمالاً دوباره، ارمیا و باروک ممکن است در نگارش هر دو نسخه از کتاب نقش قابل توجهی داشته باشند.

شکل نهایی کتاب ارمیا را نشان MT منعکس کننده نسخه اولیه ارمیا باشد، و سپس نسخه LXX شاید نسخه می‌دهد، همانطور که باروک، ارمیا یا هر ویراستار الهام گرفته دیگری که در این امر دخیل بوده‌اند، بینش خدا را در مورد اهمیت نهایی خدمت ارمیا داشته‌اند. من فکر می‌کنم واقعیت دیگری که باعث ایجاد این دو نسخه متفاوت می‌شود، این واقعیت است که خدمت ارمیا در یک منطقه جغرافیایی وسیع رخ می‌دهد. و به یاد داشته باشید که در روزهای پس از تبعید، یهودیانی داریم که در بابل هستند.

ما یهودیانی داریم که در سرزمین خود زندگی می‌کنند، و در نهایت، ارمیا، باروک و دیگر پناهندگان در مصر زندگی می‌کنند. آنها دستگاه فکس ندارند. آنها چاپخانه ندارند.

آنها پست سریع فدرال اکسپرس ندارند که بتوانند به سادگی با هم ارتباط برقرار کنند و چیزهایی را برای یکدیگر ارسال و دریافت کنند. بنابراین، من معتقدم که این دو نسخه متفاوت از کتاب ارمیا احتمالاً به دلیل مکان‌های جغرافیایی مختلفی که کتاب در آنها خوانده و تولید می‌شد، پدید آمده‌اند. و بنابراین، احتمالاً در مصر منتشر شده و نسخه اولیه کتاب ارمیا بوده است LXX نسخه.

کتاب بعدی و کامل‌تر ارمیا، و کتابی که بیشتر بر تبعیدیان، بابل و امید به آینده اسرائیل تمرکز دارد، همان کتابی بود که در بابل رواج داشت و توسط یهودیان به سرزمینشان بازگردانده شد و به نسخه اصلی قوم یهود تبدیل شد. برداشت من از این موضوع این است که واقعاً نیازی نیست که نگران این باشیم که کدام یک از این دو کتاب الهام گرفته شده است. من معتقدم که هر دوی آنها کلام خدا را منعکس می‌کنند.

کتاب مقدس (Septuagint) مسئله جالب دیگر این است که وقتی به زمان عهد جدید می‌رسیم، سپتواگینتا کتاب مقدس عبری برای یهودیان و (Masoretic) در عهد عتیق کلیسای اولیه بود. متن ماسورتیک

به عنوان نسخه مسیحی LXX خام‌ها بود. بسیاری از مردم این سوال را مطرح کرده‌اند که آیا نباید از کتاب ارمیا استفاده کنیم؟ خب، باز هم، من معتقدم که کلیسا به دلیل زمینه خاصی که در آن خدمت می‌کردند، از سپتواگینتا استفاده می‌کرد.

ارمیا نسبت به LXX آنها به مردمی که یونانی صحبت می‌کردند، خدمت می‌کردند. آنها در مورد برتری نسخه اظهار نظری نمی‌کردند. این صرفاً نسخه‌ای بود که به طور مؤثر با فرهنگی که در آن بودند، ارتباط MT برقرار می‌کرد.

من معتقدم که هر دوی آنها کلام خدا را به طور دقیق منعکس می‌کنند. من معتقدم که محققان هنگام بررسی و مطالعه کتاب ارمیا، اغلب برای آنها مهم است که دو نسخه مختلف را با هم مقایسه کنند، شاید برای درک چگونگی تکامل کتاب یا شاید برای درک بهتر خوانش یک متن یا عبارت خاص. اما در نهایت خداوند کل این فرآیند را از زمان نگارش نسخه اولیه ارمیا که در مقطعی از دوران خدمت او نوشته شده تا تأملات نهایی ارمیا و باروک در مورد آنچه ارمیا در مورد آینده اسرائیل و احیای خدا گفته بود، هدایت می‌کرد.

برای مثال، به یاد داشته باشید که یکی از متونی که در ترجمه هفتادگانی یافت نمی‌شود، ارمیا فصل ۳۳، آیات ۱ تا ۲۶ است. وقتی به این متن نگاه می‌کنیم، می‌بینیم که به آینده خاندان داوود می‌پردازد. این متن، متنی را ۱۴ که در ارمیا فصل ۲۳ یافت می‌شود، تکرار می‌کند: خداوند شاخه‌ای عادل برای داوود برخواید انگیخت.

در این آیه آمده است که داوود هرگز کمبود مردی برای نشستن بر تخت سلطنت نخواهد داشت. بنابراین این موضوع در زمینه تبعید برای مردمی که در بابل زندگی می‌کردند، مهم بود. برای آنها مهم بود که درک کنند. امیدی بر اساس وعده‌هایی که خدا به داوود داده بود، وجود دارد.

این متن همچنین می‌گوید که لاویان هرگز کمبود مردی برای اجرای وظیفه کاهنی نخواهند داشت. همانطور که مردم در تبعید زندگی می‌کردند و برای بازسازی معبد به سرزمین خود بازمی‌گشتند، برای آنها مهم بود که درک کنند که خدا قرار است عبادتی را که در معبد انجام می‌شد، احیا کند. خدا قرار است لاویان، کاهنان و تمام چیزهایی را که برای آینده اسرائیل مهم هستند، هنگام ساخت معبد دوم احیا کند.

بنابراین، هر دوی این نسخه‌های کتاب ارمیا الهامی هستند. آنها صرفاً پیام ارمیا را در زمان‌های مختلف و از دیدگاه‌های مختلف در خدمت او منعکس می‌کنند. برای جمع‌بندی، ما در این پیام یا در این جلسه خاص که به ترکیب کتاب می‌پردازد، مطالب زیادی را پوشش داده‌ایم.

اندرو شید نقل قولی در مورد متن ماسورتیک و اهمیت آن برای ما به عنوان مسیحی دارد. و اینکه چرا فکر می‌کنم احتمالاً همانطور که خدا روند شکل‌گیری ارمیا به عنوان کتاب مقدس را هدایت می‌کرد، این کتاب به کتاب مقدس ارمیا در مجموعه کتب عبری تبدیل شد. شید می‌گوید این نقل قول می‌گوید که متن ماسورتیک به عنوان سخنان ارمیا برای ما جایگاه ویژه‌ای دارد.

نه تنها این آخرین و آخرین نسخه او بود، بلکه مخاطب هدف آن، یعنی جامعه تبعیدی در بابل، از نظر ارمیا، تنها گروهی از مردم بودند که در طرح الهی نجات، آینده‌ای داشتند. بذر کلیسا در خاک بابل کاشته شد. و بنابراین، همانطور که به امیدی که ارمیا در مورد تبعیدیان و بازگشت از تبعید در تاریخ نجات به ما می‌دهد، نگاه می‌کنیم، در نهایت این بذر کلیسا است.

قوم خدا از تبعید بازخواهند گشت و خدا عیسی را برای احیای نهایی از تبعید برخواید انگیخت. و بنابراین برای ما بسیار مهم است که در شکل نهایی کتاب ارمیا این واقعیت را درک کنیم که خدا در مورد احیای قوم

خود صحبت می‌کرد. با بازگشت به فصل ۲۴، انجیرهای خوب مردمی بودند که در بابل زندگی می‌کردند، نه به خاطر پارسایی‌شان، بلکه به خاطر امیدی که خدا به آنها داده بود، کسانی که از تبعید بازخواهند گشت و خدا آنها را به سرزمینشان باز خواهد گرداند.

انجیرهای بد، آنهایی بودند که در سرزمین باقی ماندند. و شکل نهایی ارمیا بر امید به آینده اسرائیل تأکید خواهد کرد. این امید شامل حال مردمی که در آن سرزمین زندگی می‌کنند، نمی‌شود.

امید برای آینده اسرائیل به تبعیدیانی که در مصر زندگی می‌کنند نیست. امید برای آینده اسرائیل به تبعیدیان و به انجام رساندن وعده‌های عهدی است که خدا به داوود و اسرائیل و قومش داده است. و ارمیا، با تمام داوری که در آن وجود دارد، شکل نهایی آن کتاب بر آن امید و آن تسلی و احیایی که در آینده خواهد آمد، تأکید می‌کند.

همانطور که به ترکیب کتاب ارمیا نگاه کردیم، امروز بر سه موضوع خاص تمرکز کردیم. در مورد انواع مختلف مطالب و دلایلی که کتاب ارمیا از نثر و شعر تشکیل شده است صحبت کردیم. در مورد شواهدی در خود کتاب صحبت کردیم که نشان می‌دهد ارمیا از منابع مختلف، طومارهای مختلفی که کنار هم قرار گرفته‌اند، نوشته شده است.

اما باز هم، ارمیا و باروک کسانی بودند که نقش اصلی را در این فرآیند داشتند. و در نهایت، ما به نسخه‌های مختلف ارمیا که در نسخه‌های خطی باستانی منعکس شده‌اند، نگاهی انداخته‌ایم. اول از همه، هفتادگانی و ترجمه قدیمی سعی کردند دوباره به این درک برسند که این به ما نشان می‌دهد که در کتاب ارمیا رشد و توسعه‌ای وجود داشته است، اما در نهایت، این کتاب، کتاب واحدی است که پیام داوری و امید خدا را برای قوم اسرائیل منعکس می‌کند.

این دکتر گری یتس در آموزش خود در مورد کتاب ارمیا است. این جلسه پنجم در مورد ترکیب ارمیا است.